

توجه به پیش فرض های تصمیمات فرهنگی

مسئولان در تصمیم گیری برای اجرای یک پروژه با شروع یک فعالیت جدید یا توسعه و تقویت فعالیت های گذشته پیش فرض هایی وجود آورده و لازم است پیش از تصمیم گیری متناسب با ابعاد آن تصمیم مطالعه ای هر چند کوتاه و اجمالی صورت گیرد و پیش فرض های که طرح یا پروژه بر اساس آن اجرا می شود، از نظر درست یا قابل پذیرش بودن، در شرایط موجود و آینده بررسی شود. برای روشن شدن علت طرح این نکته در مثال متفاوت آورده می شود.

مثال اول، فرض کنید فرماندار محترمی تشخیص می دهد در مرکز شهرستانی لازم است یک کانون فرهنگی ساخته شود و به رئیس اداره ارشاد شهرستان، پیشنهاد می کند دلایل توجیهی چنین پروژه ای را برای پیشنهاد به کارگروه پیش بینی شده در استانداری آماده کند. رئیس اداره ارشاد نیز، با توجه به موارد مشابه، تصور می کند بهترین تصمیم پیشنهاد طراحی ساختمانی است با چند سالن کوچک و بزرگ و تعدادی اتاق در یک معماری

مناسب و با کارکرد فرهنگی، آن هم در اصلی‌ترین
خیا بان شود با این پیش فرض که بین مرکز محلی خواهد
شد برای حضور هنرمندان پیشگام، صاحب نظران
مسائل فرهنگی و اجتماعی و هنرمندان جوان به عنوان
عرضه کنندگان خدمات فرهنگی و هنری و نیز محل
برای مراجعه جوانان شهر برای استفاده از این خدمات
این پیشنهاد برای افرادی که در متن فعالیت‌های فرهنگی
کشور تبیین شده است موضوعی کاملاً منطقی به نظر
برسد. اما برای افرادی که در متن فعالیت‌های فرهنگی
هستند این سؤال پیش می‌آید که این مجتمع فرهنگی در
بهبود فرهنگ جامعه چقدر نقش دارد؟ آیا نمی‌توان این
منابع را به شکل بهتری صرف کرد؟

ممکن است با طرح این سؤالات و انجام مطالعه‌ی هر چند
اجمالی یا انگرشی جامع‌تر به ریشه‌های مسائل موجود
فرهنگی جامعه، در ایام که بعد از پروزی انقلاب اسلامی
به دلیل تشاخص پیچیدگی مسائل اجتماعی، عجله برای
سازندگی کشور، هیچ‌گاه فرصت مطالعات جامع درباره
طرح‌های فرهنگی داشتیم، و ناخوسته با احداث این
گونه مجتمع‌ها و فرهنگ‌سراها به جای ایجاد تحول در
کارکردها، مراکز اصیل فرهنگی گشته، مثل مساجد
حسینیه‌ها را به حاشیه برده‌ایم و به تعبیری کار غلطی با
به جامعه تمایل کردیم؟ به نوری که سائیل عادی، مثل
نماز و عزاداری و مراسم لاتحه، را که در تربیت جامعه

اسلامی نقش تعیین کننده‌ای دارد به مساجد و روحانیت
را گذارده‌ایم و فعالیت‌های فرهنگی نوبت‌نگیز،
جوان‌پسند و مفرح را با حضور هنرمندان به محیط‌های
مدرن انتقال داده‌ایم و به دنبال این تقسیم کار غلط، برای
حفظ چهارچوب شرعی، ضوابط برآمده از بین الهی را
در قالب قوانین و دستورالعمل‌های محدودکننده از موضع
حاکمیت دینی به این محیط‌ها تحمیل می‌کنیم
می‌توان تصور کرد این تقسیم کار، و به دنبال آن ساخت
سازهایی از این دست، که بر اساس آن پیش‌فرض‌ها
به وجود آمده‌است، آثار مثبت و منفی زیر را در پی
خواهند داشت.

آثار مثبت

- ایجاد ارتباط بین فعالیت‌های فرهنگی و هنری یا
بخشی از نیازهای فرهنگی جامعه.
- ایجاد رابطه مثبت بین هنرمندان و جوانان و افزایش
رضایت آن‌ها از نظام اسلامی
- ایجاد مرکزی به‌مناسبت برای حضور جوانان به مراعات
معیارهای حداقلی
- جلوگیری از انحرافات که در تهاپی با نیازهای جوانان
به وجود می‌آید.

آثار مغرب و منفی

- به وجود آمدن درک نادرست از این بین‌سازهای جدید

- به وجود آمدن فاصله بین بخشی از نوجوانان و جوانان با روحانیان

- ایجاد سوءظن و شکاف بین دو قشر مترمد و روحانی
- به ازوا رقتن جایگاه مسجد در جامعه اسلامی و خلوت شدن آن، به دلیل عدم تحول در کارکردهای مساجد

- زیر سؤال رفتن ضرورت کمک مزمسان برای احداث مساجد جدید، به دلیل خلوت بودن مساجد موجود
- شکل گیری نوظیف متمایز از هم بین جوانان جامعه طیف جوانان متدین و آرمان گرای مرتبط با هئیت‌ها، مساجد و البته مذاق نظام اسلامی و طیف جوانان با گرایش هنری و به تبع آن دارای روحه انتقادی و پیشین سطحی از دین، که زمینه ساز قطب بندی های اجتماعی و سیاسی و رشد تضادهای درونی جامعه است.

مثال دوم، سینما یا این پیش فرض ها وارد جامعه ما شد، است که این پدیده مدرن نشانه پیشرفت جامعه است. مردم باید پول بدهند و برای تفریح به سینما بیایند و در آنجا نیز فیلم های عامه پسند و روز دنیا به تماشا در آید. بدیهی است با قبول این پیش فرض به طور طبیعی باید سینماها در بهترین نقاط شهرها و با ساختمانی پراهنهت ساخته می شد. اگر امروز هم بخواهیم بر همان اساس

بدون بررسی مجدد آن پیش فرض ها حرکت کنیم حداقتیر تغییر این خواهد شد که به دلیل گران بودن زمین در نقاط مناسب شهر و بازدهی اقتصادی نامناسب سینما و با توجه به تحولات جامعه بهتر است سینماهای موجود بلز سازی شود. ساخت تعداد معتدای قرون گنه، رای پیدا کردن توجه اقتصادی، همراه یک پارکیگ چند طبقه، برای از بین رفتن ارزش اقتصادی زمین، بیشهاده متاسمی به نظر می رسد. اما بقتی با هدف هر برداری مناسب از سینما برای اصلاح فرهنگ جامعه امروز به این تصمیم نگاه کنیم، بزکنار آثار مثبت آن یعنی:

- فراهم شدن محیطی نوسازی و زیبا برای استفاده از صنعت و تتر سینما

- کمک به اقتصاد ریوتق سینمای ایران
- هود و ضی معیشنی تیر و نسانی فعال در سینمای ایران
- فراهم شدن امکان آکران فیلم های ارزشی به موازات گسترش آکران فیلم های سرگرم کنند.

- ایجاد احساس پیشرفت و توسعه در شهر و تدان
- ایجاد نشاط و تنوع در روال خسته کنند زندگی شهری

آثار منفی رایز می بینیم:

- ولقی سینما در کنار بازار عرضه خدمات اقتصادی مثل رستوران، بوتیک و بیرون گاه عرضه کالا های صرقی و تصویریری و لوازم آرایشی قرار گیرد، به

طور طبیعی، به مرکز تجمع دختران و پسران جوانی تبدیل می‌شود که نوعاً توجه چندانی به قید و بندها و محدودیت‌های شرعی ندارند و ممکن است حضور جوانانی از این دست در مجتمع‌های سینمایی این ذهنیت را در فیلم‌سازان و تولیدکنندگان سینمای ایران ایجاد کند که مخاطب اصلی فیلم این گونه جوانان هستند. در چنین شرایطی، نوع فیلم‌ها به سمت محتواهایی چون هیجانانگیز احساسی و داستان‌های عشقی مناسب با دوران جوانی و این قشر از جوانان جامعه میل می‌کند و زمینه‌ساز تزیین انواع انحرافات در روند سینمای ایران می‌شود و به دنبال آن:

- با شکل‌گیری چنین گرایشی در جامعه سینمایی، وزارت ارشاد به طور طبیعی برای اصلاح این روند مداخله می‌کند و بین بدنه سینما و حاکمیت فاصله ایجاد می‌شود.
- تفریح، که نقش مهمی در استحکام خانواده دارد، عملاً خانواده را به دو گروه سالمندان و جوانان تقسیم می‌کند؛ پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در یک سو و پدران و مادران و کودکان در سوی دیگر قرار می‌گیرند و جوانان به مشتریان اصلی این مجتمع‌ها تبدیل می‌شوند.
- در کنار آثار مخرب پیدایش و شکل‌گیری این مجموعه‌ها، شهرها به تدریج به دو منطقه گران و

پررونق، متراکم از جمعیت و افراد موثر در تحولات جامعه اما غیر قابل کنترل و نظارت و منطقه بزرگ مستضعف‌نشین اما راکد و مشتاق دست‌یابی به امکانات و خواهان حضور در قطب اول تقسیم می‌شود. در قطب اول مفاسد اجتماعی حاصل زیادی ثروت و در قطب دوم نارسایی‌های فرهنگی ناشی از فقر خودنمایی خواهد کرد.

حالا تصور بفرمایید، بر اساس یک نگاه متفاوت، اگر در کنار این سرمایه‌گذاری مجتمع بزرگ مرکزی، ده‌ها مجتمع کوچک محلی شامل یک سالن چندمنظوره و چند اتاقی اداری اختصاص یابد که در آن قبل از ظهرها برای زنان خانه‌دار برنامه‌های هنری و آموزشی اجرا شود و در اتاق‌ها هم برای آنان مشاوره‌های مختلف ارائه شود و عصرها تئاترهای شاد با اهداف تربیتی نمایش داده شود و شب‌ها چند سانس فیلم سینمایی نشان دهند و این مجموعه فرهنگی زیر نظر هیأت امنای مسجد آباد محل مدیریت شود که این هیأت امنای ترکیبی باشد از یک روحانی جوان و به‌روز، یک استاد متدین بازنشسته، یک مدیر متدین کارخانه، یک چهره فرهنگی شناخته شده و متعهد مردم، بدیهی است با دست‌یابی به چنین نهادهایی و با مشارکت چنین افرادی، شرایط متفاوت خواهد شد. بر اساس این فضاسازی غیرمتمرکز، که مراجعه تمام اعضای خانواده را برای دیدن فیلم سینمایی در پی دارد،

جریان سینمایی کشور به سمت تولید فیلم‌های مناسب خانواده‌ها سوق پیدا خواهد کرد. با مقایسه تطبیقی دو نوع فضاسازی در خواهیم یافت که چه میزان از مسائل فرهنگی جامعه حل می‌شود و چه بازدهی مناسبی از این دو نوع سرمایه‌گذاری حاصل خواهد شد.

با ذکر این دو مثال، گرچه ممکن است سؤالات، ابهامات و مخالفت‌هایی با این ایده‌ها وجود داشته باشد، اما تلاش کردید توجه خواننده محترم را به این مسئله جلب شود که اگر تصمیم‌گیری برای ساخت بیمارستان، کارخانه، فرودگاه و پروژه‌هایی از این دست بر اساس پیش‌فرض‌های گذشته ساده به نظر می‌رسد و می‌توان با مد نظر قرار دادن سیاست‌های اصلی وزارت‌خانه‌ها و ملاحظات محیطی، در تعامل بین مدیران و کارشناسان مرکز و استان و نظارت استانداریان محترم، تصمیم قابل قبولی اتخاذ کرد، در انتخاب طرح‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌های حوزه فرهنگ و هنر پیچیدگی‌هایی وجود دارد که به مطالعه، هم‌فکری و تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر نیاز دارد و شاید توجه به مجموعه وسیع‌تری از همین ملاحظات موجب شده است که مقام معظم رهبری نسبت به لزوم تبیین و تهیه نقشه «مهندسی فرهنگی» به عنوان پشتوانه تصمیمات فرهنگی تذکر دهند.

